

نگاهی ادبی و تاریخی به نقش و جایگاه یعقوبی در تاریخ نگاری

امید روستا^۱

^۱ دکتری زبان و ادبیات فارسی پیام نور تهران جنوب

چکیده

نگارش در باب تاریخ توسط مورخان مسلمان گوناگون صورت گرفته است، اما مورخانی مانند یعقوبی در این زمینه فتح طریق کرده اند. یعقوبی با به کارگیری مولفه های خاص و گاه کم نظیر، مسیر نگارش تاریخ، و به عبارتی نوع نگاه به تاریخ را عوض کرد. وی از تاریخ نقلی صرف فاصله گرفت و عقلانیت و تحلیل را چاشنی آن می کند این خلاقیت و نگاه تازه سبب شد تا مورخانی مانند مسعودی همین شیوه را در پیش بگیرند. برای اولین بار این یعقوبی بود که به نگارش تاریخ عالم به صورت عمومی و جهانی دست زد و به ملل دیگر هم توجه کرد. همچنین با بهره گیری از دانش های کمک یار در تاریخ مانند جغرافیا به پیوند این علم با تاریخ سبب شد تا دیگر مورخان در دوره های بعد علاوه بر جغرافیا، از علوم کمکی دیگری نیز بهره گیرند. وجود چنین مولفه هایی در تاریخ یعقوبی نگارنده را بر آن می دارد تا در این مقال با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی و نیز با بهره گیری از شیوه توصیفی-تحلیلی در صدد شناخت موضوعاتی همچون زندگانی وی و تاثیر محیط تربیتی مورخ در شکل گیری اندیشه تاریخی او و همچنین بینش و روش مورخ و نمود آن در تالیفاتش را از این زاویه مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم.

واژه های کلیدی: یعقوبی، تاریخ یعقوبی، البلدان، مشاکله الناس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

زندگانی مورخ:

احمد بن ابی یعقوب بن اسحاق بن جعفر بن واهب بن واضح، معروف به ابن واضح یعقوبی، ایرانی الاصل و از مردم اصفهان بوده است. تعلق خاطر وی به تشیع و ارادت وی به ائمه اطهار و علویان و نیز اشتهار خانواده وی به عنوان موالی بنی هاشم می تواند موید ایرانی الاصل بودن وی نیز باشد. به احتمال زیاد، نیای یعقوبی از زمان واضح یا پدرش، درسک موالی بنی عباس در آمده اند. زمانی که دعاه عباسی در خراسان و نواحی مختلف ایران نفوذ و احترامی در بین مریدان آل علی پیدا کردند بودند. اما اینکه خاندان واضح، کی و چگونه از ایران به عراق مهاجرت کرده اند، نه خود یعقوبی و نه منابع و مآخذ دیگر اطلاعاتی به دست نمی دهند. تنها مسلم است که این خاندان، همزمان با برآمدن زمینه های برافتادن دولت بنی امیه و گسترش دعوت دعاه عباسی، از موالی بنی هاشم بوده اند. هنگام پیروزی عباسیان بر امویان، واضح مولای ابوجعفر منصور، خلیفه ی عباسی نفوذ قابل توجهی داشته و از موالی مورد اعتماد و نزدیک او به شمار میرفته است. آن جا که در زمان خلافت وی، بسیاری از امور به وی واگذاشته شد. همین نفوذ سبب شد تا خاندان یعقوبی به عباسی هم معروف شوند. (حضرتی، ۱۳۸۷: ۲۶۶)

در زمان خلیفه هادی، واضح وی عامل برید مصر بود و در ماجرای شهید فخر در سال ۶۹ هجری، به ادريس بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی (ع) کمک کرد تا به مغرب برود. به همین جهت جانش را در این راه از دست داد. پس از آن خاندان وی به اتهام همکاری با مخالفان عباسی، دیگر نفوذ چندانی در خلافت پیدا نمی کنند. از این رو منابع از نیای دوم و سوم و نیز پدر یعقوبی سخن چندانی به زبان نیاورده اند. فقط از خود یعقوبی به عنوان کاتب عباسی و اخباری سخن به میان آمده است و این هم تنها به علت جایگاه علمی و شخصیت فرهنگی وی بوده است. (همان، ۲۶۹)

از تاریخ دقیق تولد و چگونگی نشو و نما ی یعقوبی اطلاعات چندانی در دست نیست و خود وی نیز در این باره، جز اشاراتی ابهام آمیز سکوت کرده است. با توجه به قراین موجود به نظر می رسد محل تولد و نشو و نما ی وی بغداد بوده باشد. (همان، ۲۷۰)

زندگانی وی را می توان به دو بخش تقسیم کرد. یکی آن قسمت که وی در مشرق گذرانیده و تا سال ۲۶۰ ه.ق را شامل می شود. دیگر قسمت که در مغرب و مصر بوده و تا پایان عصر وی و حدود سال ۲۹۲ ه.ق را شامل می شود. (یعقوبی، ج ۱، ۱۷، ۱۳۴۳)

از عنوان کاتب و عباسی بر می آید که وی در همان آغاز جوانی، مدتی را به عنوان کاتب در امور دفتری عباسیان گذرانیده و پس از آن به علت علاقه اش به سیر و سیاحت، از بغداد خارج شده است. وی مدتی را در دربار امیر طاهری در ارمنستان و آذربایجان به امر کتابت مشغول بوده و کتابی را درباره ی جنگ ها و فتوحات خاندان طاهری نوشته است. (حضرتی، ۱۳۶۷: ۲۷۱)

وی همچنین مدت زیادی را در دربار طولونیان به سر برده است و بیشتر آثار خود را در دوره اقامت در مصر به رشته ی تحریر درآورده است. از این رو مسعودی از وی به عنوان یعقوبی مصری نیز یاد می کند. (همان، ۲۷۲)

تنها به مواردی که یعقوبی در تاریخ طولونیان اشاره کرده، نشان دهنده ی حیات فرهنگی و فکری وی تا سال ۲۹۲ ه.ق است. (همان، ۲۷۳)

یعقوبی به عنوان کاتب و اخباری نیز مشهور است. لقب نخست اشاره به شغل دبیری وی در دربار عباسیان دارد. لقب دوم به اعتبار مورخ بودن وی و آشنایی وی با روایات تاریخی است. وی در کتاب مشکله الناس روال تاریخی کاب را تا عصر

معتضد (۲۷۹-۲۸۹ه.ق) ادامه می دهد. به علاوه در کتاب البلدان از سقوط طولونیان که در سال ۲۹۲ ه.ق اتفاق افتاد یاد می کند. بنابراین باید تا سال ۲۹۲ ه.ق زنده باشد. (جعفریان، ۱۳۹۳، ۲۲۲)

بینش فکری یعقوبی:

ارادت و علائق واضح به خاندان امام علی، موضوع نجات ادریس بن عبدالله و و کشته شدن در این راه، نسبت رافضی بودن به وی از سوی برخی از مورخان مانند طبری و نیز روایت ابن اثیر درباره ی شیعه گری وی نشان می دهد که خاندان واضح و خود یعقوبی از شیعیان امام علی بوده اند. (حضرتی، ۱۳۸۷: ۲۷۳) درباره ی خود یعقوبی نیز پیگیری های مستمر اخبار علویان، قیام ها و خیزش های شیعی، ذکر اخبار ائمه و نقل احادیث متعدد از آن ها، بیان عناوین و القاب احترام آمیز برای آنان، ذکر فضایل و خصایل پسندیده برای آن ها و نیز ارائه گزارش هایی مفصل درباره امام علی و ذکر احادیثی از پیامبر در مدح آن حضرت و بیان حدیث غدیر خم حکایت از تشیع وی دارد. (همان، ۲۷۴)

درباره تشیع وی باید گفت ذکر حدیث ثقلین و غدیر و همچنین توجه به این موضوع که وی در بین خلفای راشدین جز از علی بن ابیطالب (ع) به امیرالمومنین تعبیر نمی کند. (آیتی، ۱۳۴۳: ۲۰) به گفته ی هوتسما وی به طور قطع شیعی مذهب و از پیروان جعفریز یا موسویه است. سارتن نیز وی را مورخ و جغرافیدان شیعی می داند. همچنین به گفته جرجی زیدان، از مزایای تاریخ نگاری وی علاوه بر قدمت آن، شیعی بودن مولف است مطالبی را درباره عباسیان گفته که دیگران از آن پرهیز کرده اند. (یعقوبی، ۱۳۴۳: ۲۰)

وی دوران حیات ائمه را تا زندگانی امام رضا (ع) دنبال می کند و در حوادث سال ۲۵۴ ه.ق میز از وفا امام هادی (ع) یاد می کند، اما از وفات امام جواد (ع) که باید در سال ۲۲۰ ه.ق ذکر می شد، نام نبرده است و احتمال است که این از افتادگی های نسخه اصلی باشد نه از غفلت مولف. وی فقط در ذیل خلافت مامون ی حوادث سال ۲۰۴ ه.ق اجمالی از داستان عقد کردن دختر مامون را برای امام جواد (ع) ذکر می کند. (همان، ۲۱)

اخبار وی در داستان سقیفه، برخوردهای خلفا و نیز سیری که از خلافت امام علی نشان می دهد، حکایت از تشیع کامل وی و تا اندازه ای معتدل دارد. عناوینی چون وفاه الحسن بن علی، مقتل حسین بن علی از جمله عناوین مربوط به ائمه است که در ذیل آن ها کلمات قصاری در درباره آن ها می آورد. (جعفریان، ۱۳۹۳: ۲۲۴).

دانش یعقوبی:

در عصر دوم عباسی (۲۳۲-۳۳۴ه.ق) کار تالیف و ترجمه رونق بیشتری داشت و در رشته های مختلف تاریخ اسلام از فتوح و تاریخ جزیره العرب و تاریخ خصوصی و عمومی و جز آن، دانشمندانی کار تحقیق و تالیف را دنبال کردند و آثاری را از خود به جای گذاشتند. از جمله ی این مورخان یعقوبی است. وی علاوه بر آن که از مورخان بزرگ اسلامی به شمار می رود، در دانش جغرافیا نیز همان بزرگی و تقدم را دارد. وی در این زمینه کتاب البلدان را تالیف کرد. به همین جهت به وی لقب معلم جغرافیا مسلمین داده اند. در زمینه جغرافیا ویژگی ای اقالیم و شهرهای مختلف را مشاهده و معاینه می کرد و برای این منظور مدت ها

در ازمنستان و تفلیس بود و مدتی را در خراسان سپری کرد و اواخر عمرش را نیز در مغرب و مصر گذراند. در همین سفرها و تحقیقات بود که یعقوبی برای بدست آوردن اخبار تاریخی درباره سوابق شهرها، محصولات و فرآورده های آن ها و امرا و فاتحان شهرها، به روش های دیگری برای کسب خبر و نقد راوی آن روی آورد که به زبان عبمی امروز، تحقیق میدانی نامیده می شود. این روش مصاحبه و گفت و گوی حضوری، اطلاعات بسیار ارزشمندی در اختیار وی قرار می داد. به مین علت هرگاه وارد شهری می شد درباره آن شهر اطلاعاتی را می پرسید. (حضرتی، ۱۳۸۷: ۲۷۶)

یعقوبی، تاریخ و جغرافی نگار مشهور، چگونگی گردآوری مواد مورد نیاز کتاب جغراف خوییش را شرح می دهد. همچنین به تایید اوضاع اقتصادی، اداری و احوال آن زمان هرناحیه و از تاریخ فتوحات مسلمین یادداشت برمی داشت. (روزنتال، ۱۳۶۵: ۱۲۶)

وی در دانش جغرافیا از نوابغ جهان اسلام در قرن سوم به شمار می رود. نه تنها به این دلیل که وی دانش جغرافیا را به طور منسجم و مشخصی بنا نهاد، بلکه بخاطر نوآوری های او در جغرافیا نگاری بویژه در جغرافیای تاریخی و انسانی، وی دانش جغرافیا را به معنای واقعی آن بنیاد نهاد و به همین دلیل وی را معلم جغرافیای مسلمین خوانده اند. (حضرتی، ۱۳۸۷: ۲۷۹).

علاوه بر تاریخ و جغرافیا، تسلط یعقوبی در علم نجوم و علاقه مندی وی در این علم آشکار است. چون در بسیاری از موارد از جمله ولادت حضرت مسیح، ولادت و وفات پیامبر و نیز آغاز دوران هر یک از خلفا صور فلکی صحیح و طالع سال را به دست می دهد و اختلاف منجمان ا متذکر می شود. (یعقوبی، ج ۱، ۱۳۴۳: ۱۲)

یعقوبی شعر را نیک می سرود و نام وی در زمزمه ی شعرای ایران نیز آمده است. ابومنصور ثعالبی متوفی ۴۲۵ ه.ق در یتمه الدهر وی را در عداد شعرای اصفهان نام می برد. (یعقوبی، ج ۱، ۱۳۴۳: ۱۳)

تالیفات یعقوبی:

بنا به گفته یاقوت حموی در معجم الادبا، یعقوبی دارای تالیفات زیادی است که به دو بخش تقسیم می شوند:

الف- برخی از این آثار از بین رفته و جز نامی از آن ها باقی نمانده است که از جمله آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- کتابی مستقل در فتوحات و اقدامات طاهر بن حسین.

۲- جغرافیای امپراطوری بیزانس.

۳- تاریخ فتوحات افریقا به نام فتوح المغرب

۴- مسالک و ممالک

۵- ملوک الروم

۶- مشاکله الناس لزمانهم

ب- آثاری که از یعقوبی به دست ما رسیده است:

۱- البلدان: نام درست این اثر مختصر الخیار البلدان بوده است. این اثر کامل به دست ما نرسیده و قسمت های مهمی از آن

مربوط به بصره، عربستان مرکزی، هند و چین، ارمنستان و بیزانس از بین رفته است. (یعقوبی، ج ۱، ۱۳۴۷: ۲۲)

مسلمین در میدان کشف سرزمین ها و شناخت فرهنگ و آثار تمدنی ملت ها و شگفتی های خلقت سرآمدند. وسعت سرزمین های اسلامی، بعد از فتوح، مسلمین را برآن داشت تا برای شناخت بیشتر از چگونگی این سرزمین ها، تبلیغ و تزویج دین اسلام و آشنایی با مراکز علمی آن نواحی، به سفر پردازند. (آیینه وند، ۱۳۸۷: ۱۳۳) این جهانگردان اغلب مشاهدات خود را می نوشتند که شامل موضوعاتی مانند راه ها، فاصله بین شهرها و نیز بیان مظاهر حیان اجتماعی در شهرها بود و فحوای سفرنامه ها را شامل

میشود. شاید برجسته ترین جهانگرد مسلمان که در قرن سوم درخشیده باشد یعقوبی است. وی با نگارش کتاب البلدان، اطلاعاتی ارزشمند در اب جغرافیای تاریخی گرد آورده است. برخی از محققین معاصر کتال البلدان را اولین تالیف در نوع خود به شمار می آورند. (آیینه وند، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

۲- مشکله الناس تک نگاری شگفتی از یعقوبی درباره خلفاست. این تک نگاری در قالب سلسله نویسی های معمول در این زمینه نیست. گرچه ترتیب سلسله ای در آن حفظ شده است بلکه مروری است بر اخلاقیات خلفا و تقلید مردم زمانه از آنان در این اخلاقیات. این اثر یک کار جامعه شناختی بر اساس سنجش رفتارهای خلفا و اصل تقلید مردم از حاکمشان بر حسب اصل الناس دین ملوکهم. یعقوبی از ابوبکر و عمر آغاز و سپس به دیگر خلفا میپردازد. اگرچه در دیگر آثار مربوط به خلفا هم به بیان این ویژگی ها پرداخته می شود اما این رساله، به صورت اختصاصی به این موضوع پرداخته و نوعی خلیفه شناسی از زاویه خاص است که اغلب رنگ تاریخی هم ندارد، بلکه حاوی نوعی معرفت اجتماعی هم هست. (جعربان، ۱۳۹۳: ۳۳۱).

۳- تاریخ یعقوبی: تاریخ تالیف این اثر به درستی روشن نیست. برخی با استناد به این که موضوع آن تا سال ۲۵۸ ه. ق است، ظاهراً تالیف آن را مقدم بر البلدان می دانند که در سال ۲۷۸ ه. ق نوشته شده است. ممکن است تالیف کتاب در مغرب بوده اما مولف حوادث تاریخی را تا سال ۲۵۹ ه. ق که خود در مشرق بوده و می توانسته است از حوادث معاصر اطلاع داشته باشد نوشته است. (یعقوبی، ج ۱، ۱۳۴۳: ۲۶)

کتاب این واضح یعقوبی بنا به گفته ی هوتسما، غالباً اخبار و روایات آن به کلب با روایات طبری متفاوت است و ظاهراً مربوط به یک سلسله دیگر از مآخذ است. این اثر که تا حوادث سال ۲۵۲ ه. ق را شامل می شود در واقع میتوان گفت تا حدی دایره المعارف آن عصر محسوب می شود. (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۲۴) این اثر کهن ترین تاریخ عمومی است که به زبان عربی نوشته شده است. (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۲۶)

جلد نخست در شش باب نوشته شده است و مربوط به حوادث قبل از اسلام است.

- -باب نخست: تاریخ قدیم مطابق با کتب موسویان (هبوط ادم، فرزندان ادم، تاریخ انبیای بنی اسرائیل، موسی بن عمران و...)
- -باب دوم: تاریخ اهل هند (ذکر اقلیم هفت گانه، پادشاهان هند، کتب هندیان و ...)
- -تاریخ یونان و روم با ذکر کتب بقراط و جالینوس و ...
- -باب چهارم: تاریخ ساسانیان از ایران (ذکری کوتاه از پادشاهان پیشدادیان و کیانیان، بهرام چوبین،
- -باب پنجم: تاریخ اهل چین و مصر و قبایل نوبه

باب ششم: تاریخ قدمای عرب، فرزندان اسماعیل و نیز حوادث دوران عبدالمطلب و ذکر بازارها و شعرای عرب .

در توضیح بیشتر باید گفت، چند صفحه ای از ملاحظات مقدماتی مولف که شامل داستان آفرینش است، مفقود می باشد. بخش اول کتاب به تاریخ پیش از اسلام تعلق دارد. و با تاریخ اهل کتاب شروع می شود. طبق معمول، کتاب از شیوه تنظیم ساده ای، یعنی توالی زمانی افراد برخوردار است. آن گاه وصفی از اناجیل چهارگانه به عمل می آورد و در آن تاریخ فرهنگی جای تاریخ سیاسی را می گیرد. هرگاه یعقوبی از تاریخ سیاسی آگاهی ندارد یا اطلاعات کافی در دسترس وی نبود، مانند تاریخ یونانیا، هندیان و اعراب جاهلی، همین خط و مشی را دنبال می کند. موضوعاتی مانند آثار ارسطو، بقراط، مقدمه شطرنج، و شعرای

دوره جاهلی مورد بحث قرار می گیرد. (روزنتال، ۱۳۶۵: ۱۵۵) در باب تاریخ عهد قدیم و اخبار مسلمانان او را ارضای فکری نکرد، اما به یاری راویان، به نوشته های اصل رجوع کرد و از این رو به اطلاعاتی دقیق و سرشار دست پیدا کرد. در بخش دوم که به تاریخ اسلام می پردازد، توجه به مسائل فرهنگی ادامه یافت. این بخش با سخنان حکیمانه ای در اهمیت دانش آغاز می شود و به گونه ای جالب و جاذب سخنانی از امام علی نقل می شود. اعتقادات شیعی مولف از روی اولویت دادن او به روایات شیعیان از رویدادهای قرن اول هجری، و در عنایت و التفات وی نسبت به سرگذشت نامه ی دوازده امام و تاکید بر ادای سهم آنان در پیشبرد خرد و حکمت، بیشتر هویدا است. تاریخ پیامبر از نمونه ی معمولی پیروی می کند و شامل یک سری خبرهاست. این اخبار، به ترتیب حیان پیش از اسلام، غزوه ها و نظایر آن رده بندی می شوند و تا حد امکان به ترتیب زمانی رده بندی می شوند. موضوعاتی که نظم معینی را بر نمی تابند، مانند سیاهه نام همسران، مواعظ و فرایض اسلامی، در پایان، لکن، در این مورد خاص، بیشتر مطالب مربوط به حج الوداع و وفات ایشان می آید. ادامه ی کتاب درباره ی تاریخ دوران خلفاست و به هر دوره خلافت به منزله واحدی جداگانه می پردازد. در آغاز هر واحد، تاریخ جلوس به مسند خلافت و طالع خلیفه قرار دارد. (همان، ۱۵۶) پایان بخش هر واحد خصایص خلیفه و سیاهه نام والیان و شخصیت های کشوری امیرالحاج های دوران خلافت و لشکریان آن دوران و سردمداران آنها است قسمت عمده مطالب تخصیص یافته به هر خلیفه را اخبار فردی شکل می دهد. اگرچه در این نوشته ها که گاه وقوع رویدادها از نظر زمان با ذکر عبارتی مانند در فلان سال هماهنگ می شود. برخی تاریخ های دقیق هم به چشم می خورند و همواره به اسم ماه سریانی همراه با ماه قمری اشاره می شود (همان، ۱۵۷)

منابع مورد استفاده یعقوبی:

وی در ذکر تاریخ پیامبران از حضرت آدم تا حضرت مسیح علاوه بر قرآن و منابع اسلامی از کتب عهدین هم استفاده کرده است. در باب نجوم و حساب از محمد بن موسی خوارزمی و ماشالله منجم هم بهره برده است. در باب ادبیات عرفانی منبع او کتاب غار گنج ها می باشد. در باب طبقات و درجات رجال سیاسی دربار ساسانی از گاهک نامه ها یا همان فهرست رجال سیاسی استفاده کرده است. در باب جاهلیت، عرب قبل از اسلام، قبایل کنده و حیره از آثار هشام کلبی، هیثم بن عدی و ابوالحسن مدائینی استفاده کرده است. (یعقوبی، ۲، ج ۱۳۴۳: ۳۳)

سبک مورخ در نگارش

استفاده از روش ترکیبی یکی از روش های تاریخ نگاری است که در آن مورخ به جای ذکر روایات مختلف و اسانید یک واقعه، از راه مقایسه و ترکیب و ایجاد سازگاری میان آن روایات گوناگون، واقعه مذکور را طی یک روایت توضیح می دهد. روش ترکیبی مربوط به دوره تالیف تاریخی - سه گردآوری و تدوین روایات تاریخی - است. در این مرحله کا مورخ برگزیدن روایات از زاه مقایسه و استدلال برای بازآفرینی گذشته است. تاریخ یعقوبی از نمونه های تاریخ ترکیبی است. وی د مقدمه جلد دوم آورده است که روایات دانشمندان، راویان و سیره نویسان را گرفته و آن ها را جمع و تالیف کرده است. زیرا در اخبار و احادیث اختلافات و کاستی های زیادی دیده بود. از این رو ضرورتی برای ذکر اسانید خود ندیده ولی در مقدمه منابع مهم خود را ذکر می کند. (عالم زاده و سجادی، ۱۳۹۱: ۵۲)

همچنین تاریخ یعقوبی قدیمی ترین تاریخ عمومی است که در تمدن اسلامی نوشته شده است. شیوه نگارش این اثر تاریخی است نه حدیثی، بدین ترتیب که وی مانند برخی از موخان محدث، حوادث تاریخی را به صورت حدیث با ذکر سلسله سند نیاورده، بلکه به عنوان یک مورخ، پس از استفاده از مآخذ مختلف، کتاب خود را تالیف کرده است. باید توجه داشت اگرچه شکل

کتاب تاریخی است، اما به دلیل آن که وی سند مطالب خود را نیاورده است راه را برای بررسی سندی نقل ها بر محققان بسته است. افزون بر آن سیر تدوین کتاب براساس سرفصل های تاریخی روی کار آمدن خلفاست. (جعفریان، ۱۳۹۳: ۲۲۵)

نکته ای که جای تاسف دارد آن است که در نسخه های محدود برجای مانده، مقدمه جلد اول از بین رفته و به همین جهت کیفیت تدوین آن و نیز مآخذی که مولف برای کتاب خود بیان کرده به دست ما نرسیده است. آنچه مسلم است آن است که مجلد اول کتاب یعقوبی، با توجه به این که وی در عصری میزیسته که آثار زیادی از سایر ملل به عربی درآمده بود، بر اساس مآخذ زیادی نوشته شده و به همین دلیل مشتمل بر آگاهی هایی است که در مآخذ دیگر نیست. مقدمه ی مجلد دوم در دسترس است و وی به اجمال به برخی از منابع اشاره کرده است. (همان، ۲۲۵)

وی در مقدمه جلد دوم می گوید که قصد تالیف کتابی مختصر را داشته و به همین جهت بسیاری از اشعار و اخبار طولانی را حذف کرده است. مقایسه ای کوتاه میان این اثر و سایر آثار مورخان نشان می دهد که وی به دلیلی دسترسی به برخی از منابع، اخبار بسیار بدیعی را در کتاب خود آورده که در منابع دیگر نیست. همچنین حجم اسناد موجود در این کتاب که بسیاری از آن ها در منابع دیگر نیامده قابل توجه است. در این اثر بیش از ۴۶۰ نامه آمده است که البته به برخی از آن ها اشاره شده و در برخی از موازد نیز عین نامه آمده است. (همان، ۲۲۶).

وی به جای نگارش تاریخ بر محور سال نگاری بر فصل بندی تاریخ بر حول موضوعات و مقولات روی می آورد وی شیوه تاریخ نگاری موضوعی را به گونه ای با تاریخ نگاری مبتنی بر حولیات پیوند داده است. او بر خلاف تصویری که تاریخ را به صورت یک مقوله طولی و با بیان زمان نگارانه و سال نگارانه دنبال می کرد، دوران خلافت خلفا جنگ ها و رویدادها را محور و عنوان تاریخ نگاری خویش قرار داد. همچنین در عین حال در هر دوره کوشیده است به گونه ای رعایت توالی و ترتیب اتفاقات را در بستر زمان نیز دنبال کند. (حضرتی، ۱۳۸۷: ۲۸۱)

از سوی دیگر وی روش نقلی و کاربرد روش حدیثی را کنار نهاد و اخبار و اطلاعات خود را بدون ذکر سلسله اسناد بیان کرد. این بدان معنا نیست که وی در وثاقت اخبار و یا گرفتن اطلاعات و اخبار تاریخی از سرمنشا های اصلی و مورد اعتماد غافل بوده بلکه بر عکس یکی از حساسیت ها و دقت های علمی وی اتقان و توجه بسیار به درستی و صحت روایات است. لذا روایت هایی را برگزیده که به راویان آنها و اخبارشان اعتماد داشته است، از این رو لزومی نمی دیده است که سلسله اساسی روات را که به طور معمول در شیوه های حدیثی جمع بسیاری از آثار را به خود اختصاص می داد ذکر کند (همان)

ویژگی های تاریخ نگاری یعقوبی را میتوان در موارد زیر عنوان کرد:

۱- تلفیق دانش تاریخ و جغرافیا و تقریب معرفت های بشری بر تاریخ نگاری

۲- جهان نگری و طرح مباحث ملل مختلف در قالب تاریخ جهانی

۳- رویکرد اجتماعی و مردم شناسانه به تاریخ و پرداختن به مباحث اجتماعی و مردمی

۴- دقت و وثاقت علمی در جمع آوری اطلاعات

۵- امانت داری و ذکر منابع تاریخ نگاری خویش به شکل روش مند و حذف سلسله روات در یک اقدام ابتکار در آغاز کتاب

۶- جمع آوری روایات شفاهی از طریق گفتگوی حضوری

۷- به کار گیری روش معاینه، مشاهده برای دستیابی به اطلاعات دقیق تر

۸- طرح مباحث علمی و رویکرد فرهنگی و فلسفی تاریخ (حضرتی، ۱۳۸۷: ۲۸۴).

همچنین ابداع و نوآوری یعقوبی در چند مورد است.

۱- روش تاریخ نگاری مرسل را ابداع کرد و کسی قبل از وی دست به چنین اقدامی نزده بود.

۲- به تطور و تقویت روش های تاریخ نگاری بر حسب موضوعات دست زد. گرچه در بین مورخان اسلامی کسانی همچون اسحاق در کتاب خود به نام تاریخ خلفا، عوانه بن حکم در سیره معاوی و بنی امی و همچنین مدائنی در تاریخ الخلافه در این کار بر وی پیشی گرفته اند، اما باید گفت، یعقوبی چون مقلدی ناقل با آثار آنان بخورد نکرد، بلکه از آن کارها و پیشه ها، روش علمی و متکاملی بوجود آورد و برای تاریخ نگاری اسلامی، فتح طریق کرد.

۳- وی تاریخ را از دایره تنگ ابتدایی که تنها بر محور سیر، مغازی و انساب بود، درآورد و به میدان جهانی کشاند. کتاب وی نمونه ای کامل از تاریخ نگاری جهانی است. (آیینه وند، ۱۳۸۷: ۹۷)

نتیجه گیری:

نگاهی به زندگی یعقوبی و آثار وی روشن می سازد که مورخ از یک سو تاریخ را میدان تنگ درون اسلامی به بیرون می برد و با پرداختن به ملل دیگر سبب آشنایی با نوع فرهنگ متفاوت دیگر ملل میشود. از سویی دیگر برخلاف دیگر مورخان که بر نگارش براساس سالشماری اقدام می کردند، وی بر شیوه ی نگارش بر اساس موضوعات روی می آورد و در کنار آن بر خلاف شیوه ی محدثین، منابع مورد اسفاده خود را در همان ابتدای اثر بیان می کند و سلسله سندها را وارد متن نمی کند. همچنین مورخ با توجه به گرایشات شیعی که داشته و آن را لابلای مباحث وی شاهد هستیم، اما از آن جایی که وی یک مورخ بزرگ محسوب میشده که سعی در بیان حقایق داشته، تا حد ممکن ویژگی امانت داری را که مهمترین ویژگی یک مورخ است را همیشه در نظر داشته است. از سویی دیگر، با توجه به محیطی که در عصر عباسیان وجود داشته، وی سعی در رعایت اعتدال و پرهیز از جانب داری داشته است و برای نمونه در کتاب مشکله الناس این جانب اعتدال بیشتر دیده می شود.

منابع و مأخذ:

- ۱- آیینہ وند، صادق، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ دوم، ۱۳۸۷
- ۲- جعفریان، رسول، منابع تاریخ اسلام، نشر علم، چاپ اول، ۱۳۹۳
- ۳- حضرتی، حسن، دانش تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی، انتشارات بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷
- ۴- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۸۳
- ۵- روزنتال، فرانسیس، تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، جلد اول، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۵
- ۶- سجادی، سید صادق، و عالم زاده، هادی، تاریخ نگاری در اسلام، انتشارات سمت، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۱
- ۷- یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ج ۱ و ۲، ترجمه ابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۳

